

بررسی علل عقلی و نقلی رد تناسخ

اکرم آلویی^۱

چکیده

تناسخ، به معنای انتقال روحی از بدنی به بدن دیگر، پس از مرگ، یکی از باورهای کهن است که برخی از مذاهب، آن را پذیرفته‌اند. با این حال، تناسخ در بسیاری از مذاهب از جمله اسلام، یهودیت و مسیحیت به دلایلی رد شده است؛ زیرا اعتقاد به تناسخ و زندگی پی در پی، منجر به انکار معاد خواهد شد و در روایات، به کفرآمیز بودن آن، اشاره شده است. هدف از این مقاله، بررسی علل رد تناسخ از دو دیدگاه عقلی و نقلی (آیات و روایات)، است و به روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اسناد این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است که دلایل عقلی، شامل بازگشت از فعلیت به قوه، امتناع اجتماع دو نفس در بدن واحد، تعطیلی نفس در تناسخ، وحدت شخصیت و ترکیب بالقوه و بالفعل و دلایل نقلی از جمله آیات دال بر عدم برگشت به دنیا، عدم مرگ و زندگی پی در پی و معاد جسمانی و روایاتی از معصومین - علیهم السلام - است.

کلیدواژه: تناسخ، علل عقلی رد تناسخ، علل نقلی رد تناسخ.

۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، اصفهان، پاییز ۱۴۰۳.

alwyyakrm@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعات چالش‌برانگیز، چه در حوزه دینی و چه در حوزه اجتماعی و سبک زندگی، این است که بعد از مرگ، چه اتفاقی برای روح و جسم و نفس انسان پیش می‌آید؟ این موضوع در ادیان و مذاهب مختلف، بررسی شده و نظریه‌های مختلفی برای آن ارائه شده است.

یکی از این نظریات، نظریه تناسخ یا مرگ و زندگی پی در پی است. نظریه تناسخ، به دنبال اثبات این موضوع است که نفس انسان، بعد از مرگ، از جسمی که به آن تعلق داشته، به جسم دیگری می‌رود و با شرایط جدید، زندگی می‌کند. این مرگ، در زندگی به صورت مداوم است تا در نهایت، با کامل شدن به نفس واحد برسد.

بر اساس این عقیده، آدمی، نتیجه آنچه که از اعمال خود در این دنیا انجام می‌دهد را، در همین دنیا و در رفت و آمد در این دنیا، خواهد دید تا به انسانی کامل رسیده و آن‌گاه برای همیشه، مرگ اتفاق خواهد افتاد.

نظریه تناسخ، در مذاهب غیر اسلامی همچون بودایی و هند، رواج داشته؛ ولی در اسلام، با توجه به نزدیکی تناسخ به رجعت، عده‌ای به آن گرویده‌اند. متکلمان و فیلسوفان در ردّ تناسخ، نظرات قابل تأملی دارند.

اعتقاد به تناسخ و یا ردّ آن، در سبک زندگی انسان در دنیا، بسیار تأثیرگذار است؛ زیرا انسان، برای خود، فرصتی را در نظر می‌گیرد که می‌تواند با بازگشت به زندگی دنیا، گذشته را، جبران کند و در نتیجه؛ گستاخی در گناه، در او زیاد می‌شود.

همچنین مسأله معاد که یکی از ضروری‌ترین مسائل در تمام ادیان، به شمار می‌آید، در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد.

اکنون این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این مسئله است که «علل ردّ تناسخ، از دیدگاه اسلام، چیست؟»

علل ردّ تناسخ بنا بر دلایل عقلی چیست؟ علل ردّ تناسخ بر اساس دلیل نقلی چیست؟ برای پاسخ به این مسئله، در مقاله حاضر، از روش توصیفی، تحلیلی استفاده شده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است.

در این زمینه، کم و بیش، پژوهش‌ها و تحقیقاتی انجام شده است که هر کدام، اختصاراً به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

مقاله «تناسخ از دیدگاه شیخ اشراق» از «محمدتقی یوسفی»، در معرفت فلسفی، سال ۱۳۸۷ هـ ش، شماره ۲۰، به بررسی تناسخ و انواع آن و نقد نظریه شیخ اشراق پرداخته است.

مقاله «تناسخ و شبهات دینی آن»، به قلم «محمدحسن قدردان قراملکی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۱۳۸۹ هـ ش، شماره ۲۱» که در این مقاله، ادله فلسفی و روایی بطلان تناسخ و در ادامه، به شبهاتی که در ادیان گذشته و در اسلام، در مورد تناسخ به وجود آمده، بیان شده است.

مقاله «تناسخ و نسبت آن با معاد»، از «حمیدرضا شاکرین»، «نشریه قبسات، ۱۳۹۷ هـ ش، شماره ۸۹» که گونه‌های مختلف تناسخ و نکاتی در مورد آن را تبیین و، به نقد و بررسی نظرات موافق با تناسخ، پرداخته است.

«علی احمد ناصح» در مقاله «تناسخ از نگاه قرآن و برهان»، در «پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۳۸۵ هـ ش، دوره ۸، شماره ۲»، انواع تناسخ و پیشینه آن را بیان و به صورت مختصر، به اصول و دلایل تناسخی‌ها و سپس بطلان این دلایل، پرداخته است.

در مقاله «تمایز رجعت و تناسخ از دیدگاه شیعه»، اندیشه نوینی دینی، ۱۳۹۴ هـ ش، شماره ۴۱ به قلم «عبدالحسین خسرو پناه»، به معرفی و شناخت دو اصطلاح رجعت و تناسخ و تفاوت این دو پرداخته و دلیل اعتقاد بعضی از مسلمانان به این موضوع، را به دلیل شباهت زیاد این دو موضوع به هم دانسته است.

در پژوهش پیش‌رو، به دنبال ارائه فلسفی و عقلی به همراه آیاتی از قرآن و روایات معصومین به بطلان نظریه تناسخ پرداخته می‌شود.

وجه تمایز این مقاله با مقاله‌های نام برده شده، در نوع بیان مسئله و به لحاظ ساختار و دسته‌بندی آن می‌باشد.

در مقاله پیش‌رو، بعد از مفهوم‌شناسی، نظریه تناسخ، بر اساس دلایل عقلی فلسفی بررسی می‌شود: بازگشت از فعلیت به قوه، امتناع اجتماع دو نفس در بدن واحد، تعطیلی نفس در تناسخ، وحدت شخصیت ترکیب بالقوه و بالفعل.

همچنین در آیات قرآن کریم، این نظریه ردّ شده که از جمله می‌توان به موارد زیر پرداخت:
آیات دال بر عدم بازگشت به دنیا، آیات دال بر عدم مرگ و زندگی پی در پی و آیات دال بر معاد جسمانی.

همچنین روایاتی در بطلان نظریه تناسخ و کفرآمیز بودن آن، ارائه شده است.

مفهوم‌شناسی

پیش از آغاز بحث، لازم است به بررسی مفاهیم اصلی و پرکاربرد که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، پرداخته شود.

«تناسخ»، در لغت، به معنای نسخ‌شدن، زایل‌شدن و به آخر رسیدن و آمدن زمان بعد از زمان دیگر است^۱ مانند زایل شدن سایه به وسیله نور خورشید و از بین رفتن جوانی به وسیله پیری.

«التناسُخ: انتقال الروح من الجسم الى جسم بعد الموت النَّقْصُ»^۲.

«ملا صدرا»، در تعریف تناسخ می‌گوید:

تناسخ، عبارت است از: «انتقال نفسی در این عالم، از بدنی به بدن دیگر، مابین از او، خواه انتقال از موجود اجنس به موجود اشرف باشد و بالعکس»^۳.

به تعبیری دیگر، معنای تناسخ، آن است که نفسی که مبدأ صورت «زید» بود، مثلاً به بدن «عمرو»، منتقل شود و مبدأ صورت او گردد و همان علاقه که میان نفس و بدن او بود، میان نفس و بدن دیگر، ایجاد گردد.^۴

اعتقاد به تناسخ، به این معناست که روح انسان مرده‌ای به بدن انسان دیگر و یا موجودی دیگر منتقل شود و باز هم در همین دنیا، زندگی را ادامه دهد که عده‌ای از آن تعبیر می‌کنند به تولد بعد از تولد.^۱

۱. راغب اصفهانی، المفردات الفاظ القرآن، ص ۸۰۱؛ شرتونی، اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد، ج ۵، ص ۳۹۲.
۲. نجار و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۱۳۱؛ بستانی، فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۲۶۲؛ جرجانی، التعریفات، ج ۱، ص ۳۱؛ معلوف، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، ج ۱، ص ۱۴۰۴.
۳. خسروپناه، «تمایز رجعت و تناسخ از دیدگاه شیعه»، ص ۴۲.
۴. همان، ص ۳.

طرفداران تناسخ می‌گویند که افراد انسان، میوه اعمال تلخ و شیرین خود را در همین دنیا می‌چشند؛ زیرا اگر انسان، فردی نیکوکار باشد، روح او به بدن انسان سعادت‌مند و خوشبختی که غرق در عزت و نعمت است و یا حیوان مفید و سودمندی مانند گوسفند و گاو، متعلق می‌گردد.^۲

۱. ادله عقلی بطلان تناسخ

تناسخ، از دیدگاه بسیاری از فیلسوفان و دانشمندان جهان رد شده با دلایلی روشن و واضح که در زیر، به مهمترین این دلایل، یعنی بازگشت از فعلیت به قوه، امتناع اجتماع دو نفس در بدن واحد، تعطیلی نفس در تناسخ، وحدت شخصیت و ترکیب بالقوه و بالفعل اشاره می‌شود.

۱.۱. بازگشت از فعلیت به قوه

روشن‌ترین گواه بر بی‌پایه و بی‌اساس بودن نتایج بازگشت و عقب‌گرد فعلیت‌ها و کمالات به مرحله قوه و صفر است.

به این معنا که انسان آگاه که روح و روان او آینه قوانین خلقت در اسرار آفرینش است؛ به اندازه‌ای کوچک شود که چیزی نفهمد و از نو به صورت علقه، مضغه و ... در آید و به تدریج، به همان حالت نخستین برسد که این عقب‌گرد را در اصطلاح فلسفی، بازگشت فعلیت به قوه می‌گویند.^۳

انسان، از دو عنصر (بدن و نفس) ترکیب یافته و ترکیب آن در مانند اضافه کردن یک جزء به جزء دیگر مثل ضمیمه نمودن یک گل به گلخانه نیست؛ بلکه ترکیب آن در اتحادی و طبیعی است مانند ترکیب نوع (انسان) از جنس (حیوان) و فصل (ناطق).

انسان، در ابتدا، جماد (مواد غذایی تشکیل شده توسط انسان که در بدن وی به آب، پوست، استخوان و گوشت، تبدیل شده)، است. آن‌گاه، چکیده این مواد به صورت نطفه، در رحم مادر،

۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۶۰.

۲. ناصح، «تناسخ از نگاه قرآن و برهان»، ص ۴-۵.

۳. انصاریان، پرسش‌ها و پاسخ- مباحث اعتقادی، ص ۶۲۳.

نتیجه گیری

تناسخ، از نظر اسلام و ادیان آسمانی مردود است؛ زیرا اعتقاد به تناسخ و زندگی پی در پی، منجر به انکار معاد خواهد شد. در این مقاله، تعدادی از دلایل عقلی و نقلی در این زمینه، بررسی شد.

از جمله دلایل عقلی بطلان تناسخ، بازگشت از فعلیت به قوه است که بر این اساس، ثابت شد که نفس انسان، بعد از تکامل و رسیدن به فعلیت، دیگر نمی‌توان به ضعف و مرحله قوه بازگردد؛ چرا که هم از حکمت خداوند به دور است و هم بازگشت از فعلیت به قوه، از نظر عقل، غیر ممکن است.

از دیگر دلایل عقلی بطلان تناسخ، امتناع اجتماع دو نفس در بدن واحد است که با عقل در تضاد است. اگر نفس جدید که از بدنی خارج شده، بخواهد منتظر بماند تا نفسی از بدنی خارج شود و وارد آن شود، این امر باعث تعطیلی نفس شده و از موارد محال و غیر ممکن است.

وحدت شخصیت، از دیگر دلایل عقلی بطلان تناسخ به شمار می‌رود. از اساسی‌ترین اشکالات نظریه تناسخ، عدم سازگاری با مسئله وحدت شخصیت است. اگر روح یک فرد، به بدن دیگری منتقل شود، هویت و شخصیت فرد، چگونه حفظ می‌شود؟ این پرسش، نشان می‌دهد که نظریه تناسخ، نمی‌تواند به طور قانع کننده‌ای، تداوم هویت فردی را توضیح دهد.

از دیگر دلایل عقلی بطلان تناسخ، ترکیب بالقوه و بالفعل است. در یک بدن بالفعل رسیده، نمی‌تواند نفس بالقوه، وارد شود. این دو، با یکدیگر در تضاد است.

از نظر نقلی، بسیاری از منابع دینی، به ویژه، در ادیان ابراهیمی مانند اسلام، تناسخ، مردود اعلام شده و بر یگانگی زندگی دنیوی و اخروی تأکید شده است.

دلایل نقلی شامل آیات قرآن و روایات معصومین - علیهم‌السلام - می‌باشد.

آیاتی از قرآن کریم همچون ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون به وضوح، دلالت بر عدم بازگشت انسان به دنیا دارد.

آیاتی در قرآن وجود دارد که با اشاره به دو بار زنده شدن و مردن، ثابت می‌کند که مرگ و زندگی پی در پی، وجود ندارد.

برخی از آیات قرآن، دلالت بر معاد جسمانی دارد و بر این اساس، ثابت می‌کند که انسان، با همین بدن دنیوی، دوباره زنده می‌شود، پس نفس نمی‌تواند در بدن‌های متعدد زندگی کند.

علاوه بر آیات در ردّ تناسخ، روایات متعددی از ائمه اطهار از جمله کافر خواندن معتقدین به تناسخ از زبان امام رضا - علیه‌السلام - وارد شده که همگی دلالت بر ردّ این نظریه از منظر اهل بیت - علیه‌السلام - دارد.

در مجموع، با توجه به تحلیل‌های عقلی و شواهد نقلی ارائه شده، تناسخ به عنوان نظریه‌ای که بتواند پاسخگوی تمامی جنبه‌های وجودی و معنایی حیات انسان باشد، قابل پذیرش نیست؛ نتیجه این که تناسخ، نه تنها با آموزه‌های محوری دینی، ناسازگار است؛ بلکه از نظر فلسفی و عقلی، نیز مردود است.

* قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی.

منابع فارسی:

- ۱- انصاریان، حسین، پرسش‌ها و پاسخ - مباحث اعتقادی، قم: دارالعرفان، چاپ دوم، ۱۳۹۳ هـ ش.
- ۲- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ هـ ش.
- ۳- جرجانی، علی، التعریفات، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۰ هـ ش.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ هـ ش.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۸ هـ ش.
- ۶- سبحانی تبریزی، جعفر، معادشناسی، قم: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۳۸۶ هـ ش.
- ۷- صدوق، محمد، عیون اخبار الرضا، ترجمه محمد صالح روغنی قزوینی، قم: جمکران، ۱۳۹۳ هـ ش.
- ۸- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ هـ ش.
- ۹- فلسفی، محمد تقی، معاد از نظر روح و جسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ هـ ش.

۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ هـ ش.

منابع عربی:

۱۱- بحرانی، هاشم، مدینه الأئمه الاثنی عشر و دلیل الحجج علی البشر، قم: مؤسسه المعارف

الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ ق.

۱۲- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، قم: دار احیاء التراث، ۱۴۱۶ هـ ق.

۱۳- شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران: دار الاسوه، ۱۳۷۹ هـ ش.

۱۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار الاحیاء

التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق.

۱۵- معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة العربیة المعاصره، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۰ هـ ش.

۱۶- نجار، محمدعلی و دیگران، المعجم الوسیط، لبنان: دار الحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۹

هـ ق.

مقالات:

۱۷- خسروپناه، عبدالحسین، «تمايز رجعت و تناسخ از دیدگاه شیعه»، اندیشه نوین دینی،

۱۳۹۴ هـ ش، شماره ۴۱، ص ۲۶-۷.

۱۸- رحیم پور، فروغ، «مقایسه مبانی راه حل های ابن سینا و ملاصدرا برای نفی تناسخ»،

حکمت معاصر، ۱۳۹۳ هـ ش، سال پنجم، شماره ۳.

۱۹- شاکرین، حمیدرضا، «تناسخ و نسبت آن با معاد»، قبسات، ۱۳۹۷ هـ ش، دوره ۲۳، شماره

۸۹، ص ۶۱-۳۶.

۲۰- قدردان قراملکی، محمدحسن، «تناسخ و شبهات دینی آن»، نشریه اندیشه نوین دینی،

۱۳۸۹ هـ ش، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۸۰-۵۹.

۲۱- مینایی، فاطمه، «تناسخ»، مجله نقد و نظر، ۱۳۸۵ هـ ش، دوره ۱۱، شماره ۴۴-۴۳، ص

۸۶-۱۰۱.

۲۲- ناصح، علی احمد، «تناسخ از نگاه قرآن و برهان»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۳۸۵ هـ

ش، دوره ۸، شماره ۲، ص ۲۸۸-۲۷۱.

۲۳- یوسفی، محمدتقی، «تناسخ از دیدگاه اشراق»، معرفت فلسفی، ۱۳۸۷ هـ ش، شماره ۲۰.